

بررسی توزیع جغرافیایی تنوعات واکه‌ای و تهیه اطلس زبانی متغیرها در منطقه هیرمند

مهرداد بوشهری

کارشناسی ارشد آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات بروجرد، ایران

سارا افضل (نویسنده مسئول)

کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور بوشهر، ایران

چکیده

هر زبانی در کنار گونه‌های زبانی خود به حیات خویش ادامه می‌دهد. از این‌رو شاخه‌گوش‌شناسی با هدف توصیف و بررسی سطوح اصلی زبان، شامل دستور، ساخت‌واژه، آواشناسی و واج‌شناسی در زبان‌ها حائز اهمیت است. پژوهش حاضر در صدد است تا توزیع جغرافیایی تعدادی از صورت‌های واکه‌ای گویش منطقه هیرمند از توابع شهرستان زابل در استان سیستان و بلوچستان را مورد بررسی قرار دهد و با توجه به تفاوت‌های موجود در نحوه توزیع آن‌ها در این منطقه، اطلس زبانی تهیه گردد. در این راستا توزیع جغرافیایی تعدادی از صورت‌های زبانی منتخب از طریق نمودار و اطلس زبانی به‌تصویر کشیده شده است. مناطق پژوهش ۱۲ روستای شهرستان هیرمند است که این روستاها با در نظرگیری جهت‌های جغرافیایی و سهولت رفت‌آمد به روستاها انتخاب شده‌اند. گویشوران مطالعه افراد مسن مرد و زن بی‌سواد و کم‌سواد بودند که به صورت کاملاً تصادفی انتخاب شده‌اند. در هر روستا از دو یا سه نفر گویشور گفتار آزاد جمع‌آوری شده است. همچنین به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات دقیق‌تر، پرسشنامه طراحی گردیده‌است که توسط گویشوران تکمیل شده است. نتایج بررسی‌ها در قالب نمودار و اطلس زبانی بیان شده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که فرآیندهای آوایی مانند افراشتگی واکه، افتادگی واکه، پیشین شدگی واکه، پسین شدگی واکه، مرکب شدگی واکه و ساده‌شدگی واکه در گفتار منطقه پژوهش دیده می‌شود. همچنین نتایج نشان می‌دهد که در گفتار منطقه پژوهش تفاوت موجود است و این تمایزات زبانی فراگیر هستند.

واژگان کلیدی: توزیع جغرافیایی، اطلس زبانی، فرآیند آوایی، افراشتگی واکه

مقدمه

زبان یکی از استعدادهای شگفت‌انگیز بشری است که نقش مهمی را در زندگی ما بازی می‌کند. زبان راهی برای بیان عقاید، احساسات و آرزوهاست که خاص انسان بوده و غیرغریزی است. از دیدگاه باطنی، زبان تنها وسیله و یا موثرترین وسیله است که جهان اندیشه و دنیای درون ما را با جهان بیرون مرتبط می‌کند (باطنی، ۱۳۸۱: ص ۲). از نظر جهانگیری زبان، بازتاب زمان، فرهنگ و اندیشه است (جهانگیری، ۱۳۷۸: ص ۱۶). زبان‌شناسی، مطالعه علمی زبان طبیعی بشر، رشته‌ای است بالنده و برانگیزنده که بر حوزه‌های زیادی همچون تعلیم و تربیت، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی آموزش زبان، روان‌شناسی، فلسفه، علوم کامپیوتری و هوش مصنوعی و غیره اثری کارساز نهاده‌است. زبان‌شناسی دارای شاخه‌های زیادی از جمله جامعه‌شناسی زبان و گویش‌شناسی و گویش‌سنجی است. گویش‌شناسی یکی از شاخه‌های علم زبان‌شناسی که سابقه دیرینی دارد و به گردآوری گویش‌ها و توصیف علمی آن می‌پردازد. باید دانست با رشد فزاینده وسایل نقلیه موتوری میان شهر و روستا، روابط شهر و روستا از نظم و روال معینی برخوردار شده و شهرها و روستاها دچار تحولات زیادی شده‌اند (رضوانی، ۱۳۸۲: ص ۶). مردم نقاط مختلف، به آسانی با یکدیگر ارتباط برقرار کرده، بر زبان، فرهنگ، آداب و رسوم و می‌توان گفت تمامی جنبه‌های زندگی اجتماعی یکدیگر تاثیر می‌گذارند. از طرف دیگر با گسترش آموزش همگانی و رسانه‌های گروهی و در نتیجه با سواد شدن و آگاه شدن مردم روستا، زبان رسمی اندک اندک جایگزین گویش‌ها و زبان‌های محلی می‌شود و دیری نمی‌گذرد که زبان‌های محلی و گویش‌ها از بین می‌روند (زمردیان، ۱۳۶۸: ص ۱). زبان‌های محلی، یکی پس از دیگری ناپدید می‌شوند و جای خود را به زبان‌های معیار یا دارای اعتبار بیشتر می‌دهند. مرگ زبان‌ها امروزه افزایش یافته و تخمین زده شده است که نیمی از زبان‌های دنیا در قرن ۲۱ از بین خواهند رفت. این امر اهمیت کار گویش‌شناسان را در گردآوری گویش‌ها نشان می‌دهد. گردآوری و بررسی گویش‌ها می‌تواند به غنای زبان معیار کمک کند.

هدف از گویش‌شناسی گردآوری گویش‌ها و توصیف علمی آن‌ها است. امروزه، با گسترش آموزش همگانی و رونق سواد و همچنین تنوع رسانه‌های گروهی و سیر و سفر مردم روستا به مراکز شهری سبب شده است که مردم تمایل بیشتری نسبت به کاربرد زبان رسمی از خود نشان دهند که این به مرور زمان و در دراز مدت منجر به از بین رفتن گویش‌های محلی و منطقه‌ای می‌شود. چون گویش‌ها منبع بسیار غنی برای پژوهش‌های زبانی، ادبی، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و تاریخی است که گردآوری گویش‌ها و لهجه‌ها می‌تواند بسیاری از مشکلات لغوی و دستوری زبان فارسی را حل کند. به‌طور کلی اهداف تحقیق به‌صورت زیر است:

- بررسی توزیع جغرافیایی تعدادی از صورت‌های زبانی در مناطق پژوهش

- تهیه اطلس زبانی صورت‌های زبانی

- تعیین مرزهای همگویی مربوطه

گویش رایج در شهرستان هیرمند گونه و لهجه‌ای از گونه‌ها و لهجه‌های متفاوت گویش سیستانی است. این گویش یکی از گویش‌های مهم زبان فارسی است که در مناطق متفاوت گونه‌ها و لهجه‌های متفاوت این گویش رایج است. برای این گویش لهجه‌های متفاوتی قایل شده‌اند که در هر منطقه جغرافیایی با توجه به قومیت‌های ساکن در آن منطقه لهجه خاصی متمایزتر از دیگر لهجه‌ها است. گویش منطقه هم اکنون به صورت عمده در منطقه سیستان ایران، نیمروز و فراه افغانستان، سرخس ایران، ترکمنستان و دشت گرگان جاری است. این گویش از یک سو بیشترین خویشاوندی واژگانی و دستوری را با گویش موجود و گذشته خراسانی و فراتر از آن با لهجه‌های مرده ماوراءالنهری و تاجیکی کنونی دارد و از سوی دیگر واژه‌های مشترک بسیاری با بلوچی دارد که با توجه به پیوندهای تاریخی و پیوستگی‌های جغرافیایی و مهاجرت‌های قومی و خویشاوندی طایفه‌ای، امری طبیعی است.

فرهنگ‌نویسان، این گویش را یکی از چهار زبان متروک پارسی یاد کرده‌اند. ابوریحان بیرونی در الصیدنه، چند لغت از زبان قدیم سیستانی آورده است. بسیاری از از واژگان آن از هزاران سال پیش تاکنون تفاوت چندانی نکرده است. اگرچه اصل زبان که احیاناً همان سکزی است، پیش از این منقرض شده و تنها گویش آن باقی‌مانده است. این گویش یکی از گویش‌های وابسته به زبان‌های ایرانی غربی و از شاخه جنوبی آن است که به گروه زبان‌های هند و ایرانی تعلق دارند.

گویش سیستانی هیچ‌گاه یک زبان نوشتاری نبوده است، پس اثر مکتوبی که مستقلاً متعلق به این گویش باشد وجود ندارد. چهار گونه فرعی می‌توان برای گویش سیستانی متصور شد که شامل گونه‌های زرگری، ادبی (ملایی)، سیدی و عربی است.

منطقه پژوهش شهرستان هیرمند به مرکزیت دوست محمد در استان سیستان و بلوچستان است. این شهرستان دارای دو بخش مرکزی و قرقری، ۴ دهستان و ۳۱۵ آبادی و روستا است. شهرستان هیرمند با مساحت ۱۱۰۰ کیلومتر مربع از غرب به شهرستان زابل، از شرق به کشور افغانستان، از شمال به دریاچه هامون و افغانستان و از جنوب به شهرستان زهک منتهی می‌شود. طبق سرشماری سال ۱۳۹۰، این شهرستان دارای ۶۵۴۷۱ نفر جمعیت است. در پژوهش حاضر ۱۲ روستا از این شهرستان برای جمع‌آوری داده‌های زبانی انتخاب شده‌اند.

پیشینه پژوهش

این بخش به پیشینه پژوهش حاضر اختصاص دارد و نمونه‌هایی از کارهای مرتبط با این پژوهش معرفی می‌گردد. تاکنون پژوهشی مشابه با پژوهش حاضر که به بررسی توزیع متغیرهای، واژه‌ای در شهرستان هیرمند پرداخته است، صورت نگرفته است. با توجه به گستردگی و گوناگونی تنوعات زبانی و وجود لهجه‌ها و گونه‌های زبانی متمایز در گویش منطقه هیرمند نیاز به انجام پژوهش‌های بیشتری در تمامی شهرستان‌های این منطقه احساس می‌شود. با توجه به گستردگی جغرافیایی و گستردگی تنوعات زبانی این گویش، بررسی و تحقیق در هر قسمت از سیستان امری ضروری است. در این راستا، پژوهشگر حاضر شهرستان هیرمند را برای بررسی گونه و لهجه خاص این منطقه انتخاب کرده است که پژوهشی بدیع است. اکثر پژوهش‌های انجام شده پیرامون این گویش به بررسی و توصیف واجی و ساخت‌واژی و یا گردآوری واژه‌ها و اصطلاحات این گویش پرداخته‌اند. به عنوان نمونه، دوستی (۱۳۸۰) به توصیف زبان‌شناختی گویش سیستانی در بخش پشت آب با عنوان «بررسی توصیفی ساخت‌واجی، تصریفی و اشتقاقی واژه در گویش سیستان ادیمی» پرداخته است. برجسته دلفروز (۱۳۷۲) دستگاه واجی گویش سیستانی را در شهر زابل توصیف کرده است. خسروی (۱۳۸۶) به بررسی ارتباط بین برخی تنوعات زبانی و اجتماعی در گویش سیستانی بر پایه پژوهش‌های لب‌او (۱۹۶۱) پرداخته است. محمدی خمک (۱۳۷۹) مجموعه‌ای از واژگان بازمانده از زبان سگری در گویش سیستانی را گردآوری کرده است. وی همچنین در ابتدای این مجموعه به بعضی از ویژگی‌های واجی و ساخت‌واژی این گویش اشاره دارد. کدخدا (۱۳۸۸) به بررسی توزیع صد و هشتاد چهار متغیر زبان فارسی در بستر جغرافیایی و تعیین مرزهای همگویی در گونه‌ای از گویش سیستانی در بخش‌های شهرکی نارویی و میانکنگی پرداخته است و با توجه به تفاوت‌های موجود در گویش سیستانی در این دو بخش اطلس زبانی این متغیرهای زبانی را ترسیم کرده است.

روش‌شناسی پژوهش

جامعه مورد مطالعه این پژوهش ۲ تا ۳ نفر مرد و زن بی سواد و کم سواد مسن از هر روستای شهرستان هیرمند است. در مجموع ۱۲ روستا مورد مطالعه قرار گرفته است. در گردآوری داده های زبانی، علاوه بر گفتار آزاد، از مصاحبه و پرسش نامه در قالب فهرست واژگان استفاده شده است. همچنین از یادداشت برداری هم استفاده شده است تا نحوه کاربرد واژه ها هم در درون بافت جمله و هم به تنهایی، خارج از بافت به طور دقیق مشخص گردد.

در این تحقیق برای طبقه بندی گویش ها از روش خط مرز زبانی استفاده کردیم. اگرچه این روش سنتی است و دارای اشکالاتی است ولی به دلایل زیر، این روش مورد استفاده قرار گرفت: اول اینکه چون این اولین کاری است که در زمینه تهیه اطلس زبانی و خط مرزهای زبانی در شهرستان های زهک و هیرمند واقع در استان سیستان و بلوچستان صورت می گیرد و در تهیه اطلس زبانی و خط مرزهای زبانی، تهیه مواد اولیه یعنی داده ها گام اصلی در یک پژوهش گویشی به حساب می آید. بنابراین، تهیه داده ها و تهیه اطلس، به عنوان پایه ای برای پژوهش های بعدی ضروری به نظر می رسد. این کار هم در درجه اول با هدف تهیه اطلس زبانی و فراهم کردن داده ها و مواد اولیه برای تحقیقات بعدی است. دوم اینکه روش های دیگری که بدان ها اشاره شد هر کدام به صورتی نیاز به آمار و محاسبه دارند و لازمه یک کار دقیق در این رابطه هم، استفاده از نرم افزارهای ویژه این کار است که به نظر می رسد در کشور ما دسترسی به چنین نرم افزارهایی ساده نیست و کارهای گویشی هم در قالب این روش ها انجام نشده که الگوی کار قرار بگیرد. از طرفی دیگر نیازمند صرف وقت و هزینه بسیار است که فراتر از محدوده کار دانشگاهی است. لذا از روش خطرمرز همگویی برای انجام پژوهش حاضر استفاده کرده ایم.

تجزیه و تحلیل داده ها

در این پژوهش تنوعات واکه ای، شامل تبدیل یک واکه به واکه دیگر و یا ساده شدگی یک واکه مرکب ارائه شده است. سپس برای تعدادی از متغیرهای مورد نظر نمودار و اطلس زبانی آن ارائه شده است. هریک از فرآیندهای آوایی به صورت مجزا در ادامه توضیح داده شده است.

الف) تنوعات واکه ای ساده

در آواشناسی، واکه ها بر حسب ماهیت تولیدی به دو دسته واکه های ساده و مرکب تقسیم می شوند. تنوعات واکه ای ساده مشاهده شده در این پژوهش در قالب فرآیندهای زیر ارائه شده اند: افراشتگی واکه، افتادگی واکه، پیشین شدگی واکه، پسین شدگی واکه و ... در این قسمت به ذکر نمونه هایی برای هریک از فرآیندها می پردازیم.

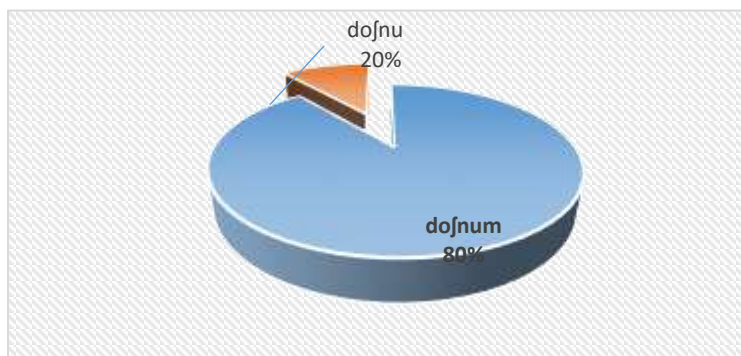
فرآیند قدرتمند افراشتگی از دوره میانه شروع و تا به امروز ادامه دارد (جهانگیری، ۱۳۷۸: ۷۶). در منطقه پژوهش هم افراشتگی در متغیرهای زیر مشاهده شده است.

-تبدیل /a/ به /u/

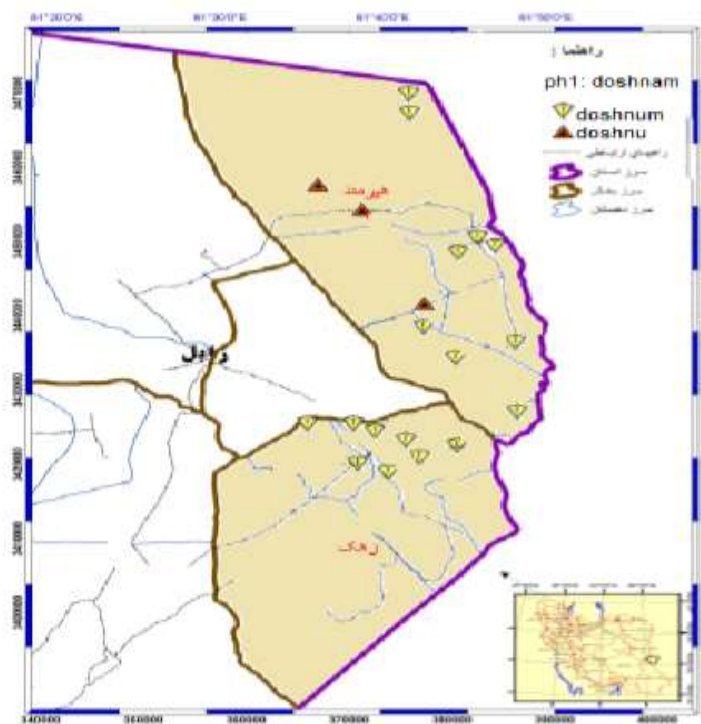
-تبدیل /a/ به /o/

-تبدیل /a/ به /e/

به ترتیب در متغیرهای zandzir, daft.baran دیده می‌شود که به صورت‌های zendjir, dosh, baru بیان می‌شوند. در زیر نمودار و اطلس زبانی یک مورد برای مثال ارائه شده است.



نمودار (۱) درصد فراوانی افراشستگی واکه /a/



شکل (۱) نقشه توزیع

بر عکس واکه‌های افراشته، در واکه‌های افتاده میزان افراستگی زبان در حد صفر است. در هنگام فراگویی واکه‌های افتاده لب‌ها کاملاً از هم دور میمانند، از همین‌رو به آن‌ها واکه‌های باز می‌گویند. در زبان فارسی واکه‌های /a/ و /a/ به‌عنوان واکه‌های افتاده شناخته می‌شوند (ثمره، ۱۳۸۰: ص ۲۲).

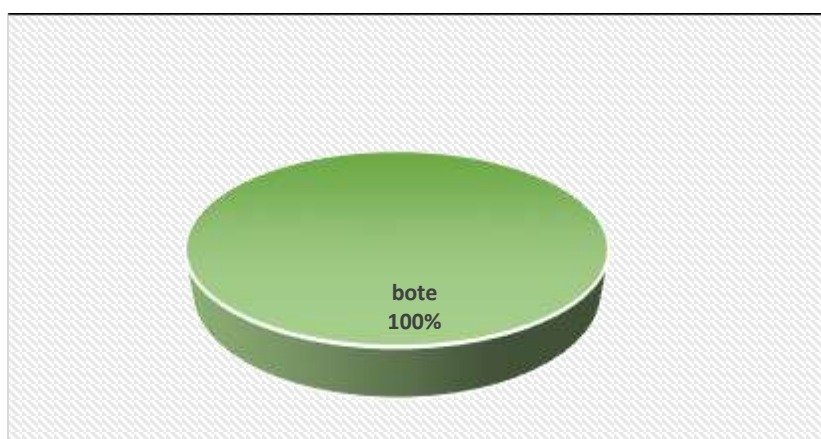
مانند فرآیند افزایش، جایگزینی یک واکه با واکه دیگری که نسبت به آن افتاده تر است، فرآیند افتادگی شناخته می شود. نمونه هایی از فرآیند افتادگی واکه در گویش زهک و هیرمند به صورت زیر است:

-تبدیل /o/ به /a/

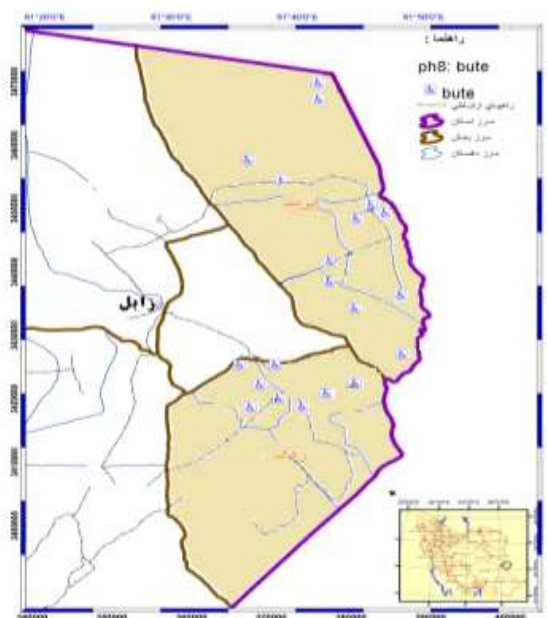
-تبدیل /i/ به /e/

-تبدیل /u/ به /o/

که به ترتیب در متغیرهای *bute*, *risman*, *mo?attal* دیده می شود که به صورت *bote*, *resmo*, *mattal* تلفظ می شوند. در ادامه یه نمونه نمودار و اطلس زبانی آورده شده است:



نمودار (۲) متغیر افتادگی واکه



شکل (۲) نقشه توزیع متغیر افتادگی واکه

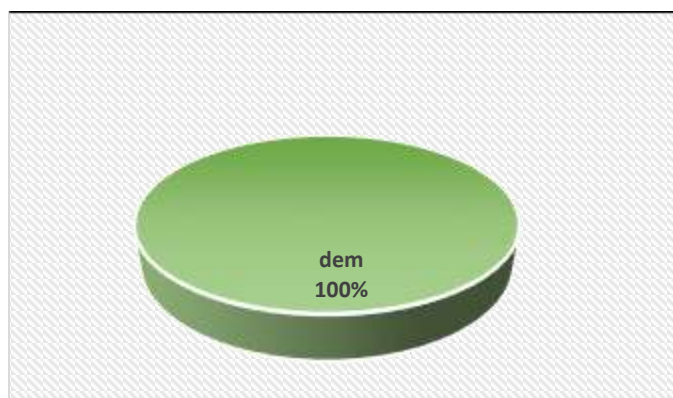
به واکه‌هایی که هنگام تلفظ آن‌ها، حجم زبان به طرف دندان‌های پیشین رانده می‌شود و زبان به درجات بلند و میانی افراشته می‌گردد و یا کف دهان در پشت دندان‌های پیشین پایین قرار می‌گیرد، واکه‌های پیشین گفته می‌شود، مانند واکه‌های /e/، /i/ و /a/ در برخی گویش‌ها ممکن است که واکه‌های پسین فارسی معیار تبدیل به واکه‌های متناظر پیشین خود شوند که به این فرآیند «پیشین‌شدگی» واکه‌ای گفته می‌شود (حق شناس، ۱۳۸۰: ص ۲). فرآیند پیشین‌شدگی در گویش منطقه پژوهش به صورت‌های زیر قابل مشاهده است.

-تبدیل /u/ به /i/

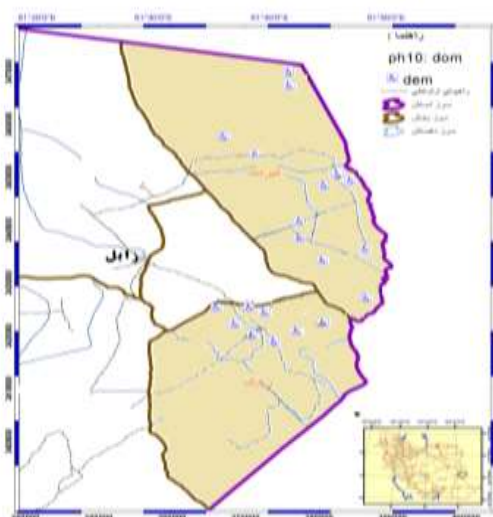
-تبدیل /o/ به /e/

-تبدیل /ɑ/ به /a/

در متغیرهای aftab, dom, tufan, aftu, dem, tifun که به صورت‌های aftu, dem, tifun, aftu, dem, tifun می‌روند.



نمودار (۳) متغیر پیشین‌شدگی واکه



شکل (۳) توزیع پیشین‌شدگی واکه

برخلاف واکه‌های پیشین، واکه‌هایی که به هنگام فراگویی شان حجم زبان به طرف عقب دهان کشیده می‌شود و در همان حال زبان به درجات متفاوت افراشته می‌شود و یا در کف دهان قرار می‌گیرد واکه‌های پسین گفته می‌شود. مانند واکه‌های /u/، /o/ و /a/ برخلاف فرآیند پیشین‌شدگی در فرآیند پسین‌شدگی، واکه‌های پسین جایگزین واکه‌های متناظر پیشین خود می‌شوند (مشکوه الدینی، ۱۳۸۴:ص ۲۱).

فرآیند پسین‌شدگی واکه در گویش هیرمند مطابق با حالت زیر صورت مشاهده شده است:

- تبدیل واکه /i:/ به واکه /u/

- پسین‌شدگی واکه /i:/ فارسی معیار و تبدیل آن به /u/ در گویش زهک و هیرمند

: bi:rdʒand

این متغیر طبق فرآیند پسین‌شدگی واکه، واکه /i:/ در این کلمه پسین شده و در اکثر نقاط پژوهش به /u/ تبدیل می‌گردد و کلمه به صورت burdʒand تلفظ می‌شود. لازم به ذکر است که در معدود نقاطی این کلمه به صورت berdʒand هم کاربرد دارد.

(ب) تنوعات بسیط شدگی واکه‌های مرکب

هرگاه در جریان تولید یک واکه، اندام گویایی پیوسته حالت‌های خود را عوض کنند، به شیوه‌ای که در تمام مراحل تولید، شکل لب‌ها، ارتفاع و حالت زبان همواره دستخوش تغییری تازه گردند، آن را واکه مرکب گویند (حق شناس، ۱۳۸۰: ۱۰۵). در گویش منطقه هیرمند واکه مرکب {ey}، {ow} فارسی معیار روند بسیط شدگی را در پیش گرفته و در قالب فرآیند ساده‌سازی واکه تنوعات قابل توجهی را رقم می‌زنند. ساده شدگی واکه {ow} و تبدیل آن به {i} را در کلمه {rowshan} می‌بینیم که در این گویش {rishan} خوانده می‌شود.

ساده‌سازی توالی واکه و غلت {ey} و تبدیل آن به {e:} در کلمه {heyran} دیده می‌شود که متغیر به صورت {e:ro:} کاربرد دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

بررسی توزیع جغرافیایی تنوعات واکه‌ای مورد پژوهش و نقشه‌های مربوطه به آن‌ها نشان می‌دهد که گویش هیرمند در تمامی روستاهای آن یکپارچه است و واحدهای زبانی نسبتاً مشابه هم بکار می‌روند. در این میان فرآیند افراستگی واکه از جمله فرآیندهای بارز و قابل توجه این منطقه است. متغیرهای واجی مورد بررسی در این پژوهش به متغیرهای واکه‌ای، همخوانی و متغیرهای مربوط به ساخت هجا تقسیم شده‌اند. برخی از فرآیندهای واجی از ویژگی‌های بارز گویش هیرمند محسوب می‌شود، که از آن جمله می‌توان به فرآیندهای افراستگی واکه و افتادگی واکه اشاره کرد. این دو فرآیند در منطقه پژوهش دارای بسامد بالاتری در مقایسه با دیگر فرآیندها است. فرآیند افراستگی و افتادگی واکه را می‌توان در متغیرهای /baran/, /zandjir/, /doft/, /risman/, /dofnam/, /bute/ مشاهده کرد. همچنین فرآیندهای دیگر مانند پیشین و پسین شدگی واکه هم مورد بررسی قرار گرفته است. در انتها مروری بر تنوعات واکه‌ای بسیط شده داشتیم.

منابع

- باقری، مهری. (۱۳۸۰). واج‌شناسی تاریخی زبان فارسی. تهران: قطره.
- برجسته دلفروز، بهروز (۱۳۷۲). واژه‌نامه ریشه‌شناسانه و تطبیقی گویش سیستانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- حق‌شناس، علی محمد. (۱۳۸۰). آواشناسی (فونوتیک). تهران: نقش جهان.
- خسروی، فهیمه. (۱۳۸۶). «تأثیرات تنوعات اجتماعی و جغرافیایی بر گفتار گویشوران شهر زابل و روستای دوستی، محمد. (۱۳۸۰). «بررسی توصیف ساخت‌واجی، تصریفی و اشتقاقی واژه در گویش سیستانی ادیمی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شیراز.
- سکوه، بر پایه نظریه ویلیام لباو. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور تهران.
- کدخدا، حسنعلی. (۱۳۸۸). بررسی توزیع ۱۸۴ متغیر زبانی در گویش سیستانی و رسم اطلس زبانی در بخش‌های شهرکی نارویی و میانکنگی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- محمدی خمک، جواد. (۱۳۷۹). واژه‌نامه سکایی (فرهنگ لغت سیستانی). تهران: سروش.
- مشکوه‌الدینی، مهدی (۱۳۷۷). ساخت آوایی زبان. مشهد. انتشارات دانشگاه فردوسی.

- Chambers, J.K. & Trudgil, P. (2004). *Dialectology*. 2nd edition. Cambridge: Cambridge University.
- Mackenzie, D.N. (1971). *A concise Pahlavi dictionary*. London: Oxford University Press.
- Okati, Ahangar & Jahani. (2009). "The Status of [h] and [?] in Sistani Dialect of Miyankangi". *Iranian Journal of Applied language studies*, Vol1 NO.1.
- Okati, F. (2008). *A phonological description of the sistani dialect of Miyankangi*. M.A. thesis. Zahedan: University of Sistan & Baluchestan.

Investigating the geographical distribution of vowel variations and preparing a linguistic atlas of the variables in Hirmand region

Mehrdad Boushehri

Masters degree in English Language Teaching Islamic Azad University Borujerd Research Sciences Unit Iran

Sara afzal

Master of Linguistics Payam Noor Bushehr University Iran

Abstract

Every language continues its life alongside its language varieties. Therefore, the branch of dialectology with the aim of describing and examining the main levels of language, including grammar, word structure, phonetics and phonology, is important in languages. The present study aims to investigate the geographical distribution of a number of vowel forms of the dialect of Hirmand region of Zabol city in Sistan and Baluchistan province and prepare a language atlas according to the differences in their distribution in this region. In this regard, the geographical distribution of a number of selected linguistic forms has been depicted through a diagram and linguistic atlas. The research areas are 12 villages of Hirmand city, which were selected considering the geographical directions and ease of commuting to the villages. The speakers of the study were illiterate and illiterate elderly men and women who were chosen completely randomly. In each village, two or three speakers of free speech have been collected. Also, in order to collect more detailed information, a questionnaire has been designed and completed by the speakers. The results of the investigations are expressed in the form of a diagram and linguistic atlas. The results of the research indicate that phonetic processes such as vowel raising, vowel falling, vowel fronting, vowel backsliding, vowel compounding and vowel simplification are seen in the speech of the research area. Also, the results show that there is a difference in the speech of the research area and these language differences are pervasive.

Key words: geographical distribution, linguistic atlas, phonetic process, vowel raising